روزنامه هم‌میهن
www.hammihanonline.ir

۱۶ ۲۴ ساعت
24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

•صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
•مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی
•سردبیر: محمدجواد روح •معاون سردبیر: مهرداد خدیر
•دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
•علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) •سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
•مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
•مدیر هنری: مهدی قربانی‌تبار
•هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) •حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

•تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ •تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ •آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ •نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
•لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن •تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ •توزیع: نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

نگاه آخر

رنج‌آورترین «کاش»

به بهانهٔ پویش «نه به تصادف»

مهرداد خدیر
معاون سردبیر

همه می‌میرند و از مرگ گریز و گزیری نیست و این گزاره با نگاه‌های متفاوت به زندگی دست‌خوشِ تغییر نمی‌شود. به تعبیر سهراب سپهری «اگر مرگ نبود دست ما پی چیزی می‌گشت» و با این نگاه نقش مرگ را در معنی‌بخشی به زندگی یادآور می‌شود.

این نوشته اما دربارهٔ مرگ در معنی کلی آن نیست تا بگوییم چقدر با این سخن هایدگر موافقم که «انسان موجود معطوف به مرگ است» یا دیگران که گفته‌اند تمام زندگی تلاش برای غلبه بر مرگ است و چون می‌دانیم میراییم تقلا می‌کنیم اگرچه با نگاه تلخ صادق هدایت حاصل این دویدن هرگز نرسیدن است.

با این همه یک نوع خاص از مرگ در دنیای معاصر رنج‌آورتر است و غلبه بر سوگ آن دشوارتر و آن مرگ در پی سانحهٔ رانندگی است.

چون مرگ به خاطر بیماری یا کهولت سن را می‌توان به طبیعت یا تقدیر الهی نسبت داد. اگرچه دلتنگی برای رفتگان چاره ندارد اما نوبت به این نوع مرگ که می‌رسد با «کاش»هایی روبه‌روییم که کنار آمدن با فقدان را دشوارتر می‌کند.

یکی از بهترین آثار دربارهٔ درمان سوگ و فقدان با شاخص‌ترین محتواها کتاب «رنج و التیام» نوشتهٔ دکتر ویلیام وُردن است و چون با ترجمهٔ زیبا و روان روزنامه‌نگار صاحب‌سبک ایرانی -محمد قائد- به پارسی برگردانده شده به‌رغم مضمون تلخ، خواندنی‌تر و شیرین‌تر از کار آمده و دست خواننده را می‌گیرد و نکاتی کاربردی را برای غلبه بر فقدان و کنار آمدن با سوگ در اختیار قرار می‌دهد.

با این همه این کتاب هم وقتی به مرگ‌های ناشی از تصادف یا خودکشی می‌رسد تضمین قطعی نمی‌دهد. در فقرهٔ خودکشی به خاطر «شرم»ی است که خانواده یا دوستان و بستگان را می‌آزارد و احساس گناه می‌کنند ولو عزیزشان با افسردگی حاد دست به گریبان بوده باشد اما در خودکشی هم می‌توانند خود را این‌گونه التیام دهند که تصمیم خود او بوده و باورمندان دینی که آن را گناه می‌دانند برای درگذشته طلب عفو و رحمت کنند یا وقتی به یاد آورند که برخی از مشاهیر هم بدین‌گونه خودخواسته با جهان، وداع کردند خود را آرامش و تسلا دهند.

در خودکشی هم «کاش» چنین کرده یا نکرده یا چنین گفته یا نگفته بودم به ذهن آدمی چنگ می‌زند اما نه به قوت مرگِ ناشی از تصادف.

اینجا نه می‌توان خود را آرامش داد که هر چه توانستیم کوشیدیم یا پیمانه چو پر شود چه بغداد و چه بلخ یا خواستِ خدا بود چون کافی بود در آن لحظهٔ خاص اتفاق دیگری رقم می‌خورد و وقتی آمار تصادفات با دیگر کشورها مقایسه می‌شود روشن است که اگرچه همه می‌میریم اما تمام شدن عمر طبیعی یا وداع با زندگی به خاطر بیماری یا جنگ قابل توجیه است و با تصادف، نه. چون می‌توانست و نمی‌بایست رخ ندهد و داده و آن «کاش» درمان این سوگ را در فقرات متفاوت فقدان شاق‌تر می‌کند.

در تبلیغات بر مثلث «راننده، خودرو و جاده» به عنوان عوامل اصلی تصادفات منجر به مرگ و جرح تأکید می‌شود. برخی هم معتقدند مهم‌ترین عامل، انسانی است ولو خودروها و جاده‌ها از کیفیت لازم برخوردار نباشند زیرا باز راننده باید بیشتر دقت و مراعات کند.

در تعریف جهانی اما نه با یک مثلث که با مربعی روبه‌رو هستیم و ضلع چهارم همانا «پلیس و علائم راهنمایی و رانندگی» است. چراکه نقش پلیس تنها در صدور برگ جریمه نیست بلکه راهنمایی هم از وظایف مصرح آن است.

جدا شدن پلیس راهنمایی و رانندگی از مدیریت شهری و قرار گرفتن زیر نظر نیروی انتظامی دست این پلیس تخصصی را از دخالت و مدیریت در این عرصه کوتاه کرده درحالی که تفاوت وظایف پلیس راهنمایی و رانندگی با کلانتری‌ها امری واضح است.

نکتهٔ مهم دیگر ضرورت تفکیک استان‌ها و تلفات عابران پیاده و راکبان موتورسیکلت است تا بتوان به نتایج مفیدتری دست یافت.

این حجم از تردد با خودرو را جدای سوخت ارزان ناشی از کاستی‌های حمل و نقل ریلی هم باید دانست و کاش دولت بیش از هر مقولهٔ دیگر به بهبود و توسعهٔ حمل و نقل ریلی بیندیشد چه در رفت وآمدهای شهری و چه بین‌شهری.

نه به تصادف، آری به زندگی و کاهش آمار مفت‌ترین نوع مرگ است که بازماندگان را در مغاکی هول‌ناک رها می‌کند و جز کاش و افسوس برجای نمی‌گذارد.

جعبه‌شگفتی‌های تلگرام

در شرایطی که تلگرام هر روز با نوآوری کاربرانش را به تحسین وا می‌دارد در ایران هنوز صحبت از رفع محدودیت از آن است

مسعود شاه‌حسینی
گزارشگر هم‌میهن

در میدان شلوغ و رنگ‌وارنگ پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی، متعادل کردن دسترسی، نوآوری، صداقت، شفافیت و امنیت، اصولی نانوشته اما تعیین‌کننده‌اند. ویژگی‌های جدید، تجربه کاربری را بهبود می‌بخشد، تمرکز بر حریم خصوصی و نفروختن روح پلتفرم، اعتماد می‌سازد و مدل درآمدی اگر خلاقانه باشد و جیب‌ها را خالی نکند، کاربران را توانمند می‌کند. در این میدان تنها یک بازیگر با چنین ویژگی‌هایی وجود دارد و آن هم تلگرام است. قاصدی که تاج سود و خلاقیت بر سر دارد و نه‌تنها راه ارتباط را هموار کرده و از دیوار بلند سانسور رد می‌شود، که با نوآوری‌هایش، در حال بازنویسی قواعد بازی است. به‌روزرسانی اخیر این پلتفرم، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها را در اختیار کاربران قرار می‌دهد که درواقع جعبه‌ای پر از شگفتی است.

پیام‌های ستاره‌دار

در صدر فهرست قابلیت‌های به‌روزرسانی اخیر تلگرام، پیام‌های ستاره‌دار (Star Messages) قرار دارد که به کاربران پریمیوم اجازه می‌دهد با دریافت هزینه از غیرمخاطبان، درآمدزایی کند. یعنی اگر کسی بخواهد پیامی بفرستد و حرفی بزند، باید بین یک تا ۱۰ هزار ستاره تلگرام ـ که همان ارز دیجیتال درون‌برنامه‌ای است ـ به پذیرنده پیام پرداخت کند. این ویژگی مانند سپری جادویی، اسپم‌ها را دور می‌کند، به کاربران پرمخاطب مانند تولیدکنندگان محتوا قدرت می‌دهد تا از محبوبیت خود سودی به جیب بزنند و هم‌زمان نیز مشخص کنند چه کسی با آنها ارتباط بگیرد. اما جادو به اینجا ختم نمی‌شود؛ تأیید مخاطب با اتصال به زنجیره‌ای از دوستان مشترک، اعتماد را به گفت‌وگوها می‌آورد. این ویژگی برای کاربرانی که می‌خواهند در امنیت باشند و ناشناس بمانند، هدیه‌ای ارزشمند است.

تمرکز بر کاربر و درآمدزایی

تلگرام سفر دور و دراز خود را از سال ۲۰۱۳ شروع و در سال ۲۰۲۴ درآمدش از یک میلیارد دلار عبور کرد. یکی از دلایل جذابیت این پلتفرم، استراتژی درآمدزایی غیرمتعارف اما بسیار محبوب آن است که تعادلی ظریف میان سودآوری و رضایت کاربران دارد. برخلاف متا که در باتلاق داده‌فروشی گیر کرده، یا واتساپ که تکیه‌اش را بر کسب‌وکارها و ابزارهای تجاری گذاشته، تلگرام پلتفرم تبلیغاتی بسیار متفاوت و محبوب‌تری دارد که مهم‌ترین ویژگی‌اش این است که تبلیغات مزاحم را رد می‌کند. درحقیقت تلگرام تبلیغات را نه زنجیر، بلکه بال پرواز می‌بیند. در این مدل تبلیغاتی که سال ۲۰۲۱ راه‌اندازی شده و سال گذشته توسعه یافته، کانال‌هایی با بیش از ۱۰۰۰ دنبال‌کننده را هدف قرار می‌دهد و پیام‌های اسپانسری مرتبط با زمینه را نمایش می‌دهد. در این پلتفرم، سازندگان ۵۰ درصد از درآمد تبلیغات را دریافت می‌کنند که به‌صورت «تون‌کوین»، ارز دیجیتالی مبتنی بر بلاکچین پرداخت می‌شود. حرکتی سخاوتمندانه که با پلتفرم‌هایی مانند یوتیوب ـ که آستانه‌های درآمدزایی سخت‌تری دارند ـ در تضاد است. کاربران می‌توانند از طریق برنامه‌های شخص ثالث تون‌کوین را استخراج و معامله کنند و رشته‌ای مالی در بافت یک پیام‌رسان ببافند. حوزه‌ای که رقبا جرأت ورود و کاوش در آن را تاکنون نداشته‌اند.

مدل تقسیم درآمد تلگرام که تا مارس ۲۰۲۴ در بیش از ۱۰۰ کشور فعال شده، ساخت محتوای ارزشمند و باکیفیت را بدون تهدید حریم خصوصی کاربران تشویق می‌کند، تبلیغات فاقد لینک خارجی است و تعاملات را نیز خود اکوسیستم تلگرام پیش می‌برد. اگر این ویژگی‌ها را با API تجاری واتساپ که بر اتوماسیون شرکتی تمرکز دارد یا وابستگی فیسبوک مسنجر به شبکه تبلیغاتی متا مقایسه کنید، رویکرد تلگرام برای درآمدزایی و تبلیغات، مانند نسیمی تازه به‌نظر می‌رسد؛ غیرمزاحم، دوستدار سازندگان و بی‌توجه به داده‌ها.

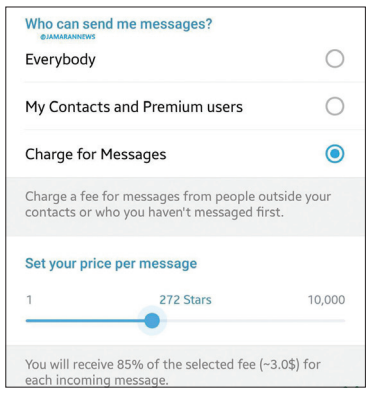

چشم‌اندازی فراتر از سود

سلاح مخفی تلگرام، اصول آن است. تخت پادشاهی این پلتفرم بر حریم خصوصی ساخته شده و امنیت نیز در آن قابل مذاکره و چانه‌زنی نیست؛ یا درباره‌اش می‌گویند بهشت آزادی‌های بیان است. شاید اگر از همه یک‌میلیارد نفری که کاربر فعال تلگرام هستند، بپرسند، چه چیزی این پیام‌رسان را از واتساپ یا سیگنال یا پیام‌رسان فیسبوک متمایز می‌کند، پاسخشان ترکیبی از مقیاس، امنیت و اصول اخلاقی است. برخلاف واتساپ که اندازه گروه‌ها را به ۱/۰۲۴ عضو محدود می‌کند، توانایی تلگرام در میزبانی از ۲۰۰ هزار کاربر، از آن بهشتی برای جوامع بزرگ، از فعالان مدنی تا صفحه‌های هواداران دوآتشه ساخته است. زیرساخت ابری‌اش، پیام‌ها را میان دستگاه‌های مختلف موبایل، دسکتاپ و وب جابه‌جا می‌کند و این انعطاف و آزادی، آن را به انتخابی بی‌رقیب برای کاربران چندسکویی تبدیل کرده است. این ویژگی‌ها البته به‌معنای بی‌نقص‌بودنش هم نیست. گزارش‌ها نشان می‌دهد که این پلتفرم محلی برای فعالیت گروه‌های افراطی، تبادل محتوای مجرمانه و جنجالی با قابلیت آسیب‌پذیری‌های امنیتی است. به‌رغم همه این‌ها تلگرام با نوآوری‌هایش، قلب میلیون‌ها نفر را تسخیر کرده و هرچه هم می‌گذرد نیاز به بودنش بیش از پیش آشکار می‌شود. تیمی جمع‌وجور و ۳۰ نفره که در مقایسه با غول‌های فناوری چندده‌هزار نفری ناچیز به‌نظر می‌رسد، از دوبی و با سرورهای ابری، اقتصادی را خلق کرده که کاربران و نیازهایشان، بر نگرانی‌های امنیتی دولت‌ها ارجحیت دارند. همین موضوع، ارزش‌گذاری آن را به بیش از ۳۰ میلیارد دلار رسانده است. به‌تعبیر خود پاول دورف، تلگرام نشان داده که یک پیام‌رسان می‌تواند هم سودآور باشد، هم به کاربرانش احترام بگذارد.

ایرانیان و حسرت رفع محدودیت

در این میان کاربران ایرانی به تلگرام، نه به‌عنوان یک پیام‌رسان، بلکه به‌عنوان پناهگاهی برای آزادی‌بیان و خلاقیت نگاه می‌کنند. کانال‌های نامحدود، چت‌های مخفی، رمزنگاری سرتاسری، پراکسی داخلی و همه‌جانبه‌بودن مانند ابزارهایی حیاتی‌اند که نیازهای کاربران را در سایه سانسور و محدودیت رفع می‌کند. اینجا، جایی است که کسب‌وکارهای کوچک در کانال‌ها شکوفا می‌شوند، فعالان اجتماعی صدایشان را به گوش مخاطبان می‌رسانند و جوانان از فیلترها فرار می‌کنند تا جهانی بدون مرز را تجربه کنند. این پیام‌رسان محبوب سال ۱۳۹۷ با دستور قضایی در ایران فیلتر شد و قرار بود به دست فراموشی سپرده شود، اما داستانش پایان نیافته است. بیش از شش سال از آن روز می‌گذرد و تلگرام هنوز با بیش از ۳۴ میلیون کاربر نفس می‌کشد. کاربران نه به واتساپ مهاجرت کرده‌اند، نه علاقه‌ای به پیام‌رسان‌های پرشمار داخلی که از منابع و حمایت‌های مالی هنگفت برخوردارند، نشان داده‌اند. زمانی تلگرام بیش از ۶۰ درصد پهنای باند اینترنت کشور را به خود اختصاص داد، حالا باوجود همه محدودیت‌ها، دومین شبکه اجتماعی پرطرفدار کشور پس از اینستاگرام است و بنا به داده‌های سایت telemetr از نظر تعداد کانال (۲۱۰ هزار و ۸۰۰) و کاربر، دومین کشور در جهان پس از روسیه و هند است. آماری که به‌روشنی حکایت از شکست سیاست فیلترینگ و صرف هزینه‌های سنگین برای پیشبرد این رویکرد مقابله‌ای دارد. با همه این‌ها قابلیت‌های جدید تلگرام برای بسیاری از ایرانیان که طرفداران پروپاقرص تلگرام هستند، امیدوارکننده است، به‌ویژه در اقتصاد شکننده کشور به تولیدکنندگان محتوا و کسب‌وکارهای کوچک کمک می‌کند تا از این پلتفرم برای درآمدزایی استفاده کنند. بااین‌حال چالش‌هایی مانند محدودیت‌های اقتصادی برای اشتراک پریمیوم و دسترسی به ستاره‌ها و از همه مهم‌تر، انتظارهای بی‌پایان برای رفع فیلترینگ که جزء اصلی‌ترین وعده‌های دولت چهاردهم بوده، ممکن است برخی کاربران را از بهره‌مندی کامل از مزایای تلگرام بازدارد.

به‌هر روی تلگرام، بیش از یک پیام‌رسان، به‌سوی یک انقلاب ارتباطی در حال حرکت است. نوآوری‌هایش، تجربه‌ای بی‌مانند می‌سازند، برتری‌هایش رقبا را به زانو درآورده و مدل درآمدزایی‌اش، کاربران را به پادشاهان این قلمرو بدل می‌کند؛ نوآوری‌هایی که همگی در راستای همان تعبیر دورف هستند که پنج سال پیش گفته بود، جهان به تلگرام مستقل نیاز دارد.

چهره

جنگید تا سینما را زنده نگه دارد

مهدی مسعودشاهی سال ۱۳۲۹ متولد شد. او دارای مدرک تحصیلی کارشناسی زبان آلمانی از دانشگاه علامه طباطبایی، کارشناسی برق فشار قوی از زوریخ سوئیس و بورسیه انستیتو گوته در مونیخ آلمان بود. مسعودشاهی از چهره‌های تاثیرگذار مدیریت در حوزه سینمای داستانی، مستند و انیمیشن به حساب می‌آمد. این مدیر باسابقه به‌عنوان یکی از پایه‌گذاران بنیاد رودکی، بنیاد سینمایی فارابی، موسسه فرهنگی و هنری صبا وابسته به صداوسیما، مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی و برگزارکننده اولین جشنواره بین‌المللی فیلم میلاد شناخته می‌شد. او سال ۱۳۶۳ مرکز سینمای تجربی و نیمه‌حرفه‌ای را بنیان‌گذاری کرد که بعدها به مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی تغییر نام داد. مسعودشاهی زمانی در مورد آن‌چه انجام داد، گفته بود: «من به‌عنوان عضو کوچکی از خانواده سینما، افتخار می‌کنم که از سال ۱۳۵۹ تاکنون در کنار اهالی سینما هستم. از زمان انقلاب فرهنگی در ایران، ما تلاش کردیم آن‌چه در سینما خلأ است، پُر و فیلمسازی اسلامی را در کشور با حضور ۵۰ تا ۶۰ نفر از دانشجویان راه‌اندازی کنیم.» این مدیر باسابقه سینما که از یک‌ماه قبل به‌دلیل ضایعه مغزی در بیمارستان بستری بود، صبح روز جمعه ۲۴ اسفندماه درگذشت.

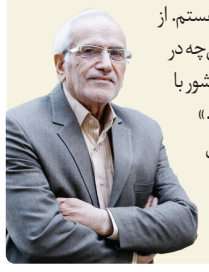

کتابخانه

نصفِ جهان از زبان نویسندگان

اصفهان
گردآوری و انتخاب: سیاوش گلشیری
انتشارات: نیلوفر

مجموعه داستان «اصفهان (یک شهر، بیست‌وسه داستان)»، انتخاب و گردآوری‌شده توسط سیاوش گلشیری در ۲۷۲ صفحه و با قیمت ۲۷۵ هزار تومان توسط انتشارات نیلوفر منتشر شد. «اصفهان»، اثری در ادامه رویکرد نشر نیلوفر به‌نام شهرهاست. رویکردی که «شیراز» به‌کوشش محمد کشاورز و «رشت» به‌همت کیهان خانجانی، محصول نخست و دوم آن بودند. داستان‌های آغازین کتاب «اصفهان» با نسل اول داستان‌نویسی اصفهان، یعنی محمدعلی جمال‌زاده، آغاز می‌شود و تا نسل چهارم ادامه پیدا می‌کند. بهرام صادقی، هوشنگ گلشیری، محمد کلباسی، احمد اخوت، رحیم اخوت و بیژن بیجاری از جمله نویسندگانی هستند که با برخی آثارشان در این کتاب روبه‌رو می‌شویم. یکی از داستان‌ها نیز به‌قلم خود سیامک گلشیری است. گزینش داستان‌ها در این کتاب اغلب براساس نشانه‌شناسی مکان و مسئله اصفهان صورت گرفته است؛ موضوعی که گلشیری در مقدمه کتاب به‌طور مفصل در مورد آن توضیح داده است. «اصفهان» دربرگیرنده داستان‌هایی از ادوار مختلف تاریخی است و می‌توان گفت، تأملی در تاریخ سیاسی و اجتماعی این شهر نیز به‌حساب می‌آید.

تاریخ

روز شهردار

پیشنهاد انتخاب یک روز از سال به‌نام روز شهردار، در اواخر سال ۱۳۸۴ به تأیید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رسید و سرانجام پس از پشت‌سرنهادن مراحل اداری و قانونی، اواخر سال ۱۳۹۹ به تصویب شورای فرهنگ عمومی رسید. اعضای شورای عالی استان‌ها هم در سیزدهمین اجلاس این شورا، طرح دوفوریتی نامگذاری روز شهردار را مورد بررسی قرار دادند و باتوجه به اینکه سردار مهدی باکری نیز پیش از حضور در جبهه‌های جنگ، مدتی در مسند مدیریت شهر ارومیه قرار داشت، سالروز شهادت این سردار نامدار، ۲۵ اسفندماه ۱۳۶۳، به‌عنوان روز شهردار انتخاب شد. مهدی باکری مدت ۹ ماه شهرداری ارومیه را برعهده داشت، اما در همین مدت کوتاه خاطره خوبی از خدمات او در ذهن مردم این شهر نقش بست. یکی از معروف‌ترین این خاطرات به زمانی بازمی‌گردد که مهدی باکری در لباس رفتگری، انجام وظیفه می‌کند؛ زیرا وقتی متوجه می‌شود یکی از رفتگران به‌دلیل بیماری همسرش نیازمند مرخصی است، اما نیرویی جایگزین نیز وجود ندارد، اول به آن رفتگر مرخصی می‌دهد و بعد خود وظیفه او را به‌عهده می‌گیرد.